



دانشگاه ایستادن بلوچستان

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در (رشته زبان و ادبیات فارسی)

عنوان:

تحلیل جامعه شناختی داستان‌های محمد مسعود

استاد راهنما:

دکتر محمد علی محمودی

استاد مشاور:

دکتر محمد علی زهرازاده

تحقیق و نگارش:

محمد حاصل دوست

مهر ۱۳۹۲

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان **تحلیل جامعه شناختی داستان های مسعود** قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ادبیات توسط دانشجو محمد حاصل دوست با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمد علی محمودی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

محمد حاصل دوست

(نام وامضاء دانشجو)

این پایان نامه واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب محمد حاصل دوست کراتی تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارایه نشده است. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: محمد حاصل دوست

امضاء

استاد راهنما: دکتر محمدعلی محمودی

استاد مشاور: دکتر محمدعلی زهرازاده

داور ۱:

داور ۲:

نماینده تحصیلات تکمیلی

پیشکش بہ

روان پاک پدرم

کہ عالمانہ بہ من آموخت تا چگونه در عرصہ می زندگی، ایستادگی را تجربہ نمایم

و بہ مادرم

دریای بی کران فداکاری و عشق کہ وجودم برایش ہمہ رنج بود و وجودش برایم ہمہ مہر

و تقدیم بہ

ہمسرم

اسطورہ می زندگیم، پناہ جستگیم و امید بودم

سپاس و قدردانی:

موجب افتخار است که در پژوهش حاضر از محضر فرزنانگان و استادان شایسته و عالی قدری برخوردار گشته ام که جای دارد سپاس خالصانه خود را به حضورشان تقدیم دارم.

. بر خود واجب می دانم که از راهنمایی ها و تلاش های بی دریغ و دلسوزانه ی استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر محمد علی محمودی که با صبر و سعه ی صدری مثال زدنی و پیگیری های فراوان، زحمات زیادی در تدوین این رساله متحمل شده اند، تشکر و قدردانی نمایم.

. همچنین خدمت استاد مشاور جناب آقای دکتر محمد علی زهرا زاده که با رهنمودها و مشاوره های ارزنده ی خود، نقش بسیار موثر و تأثیرگذاری در اتمام این رساله داشتند، نیز مراتب احترام و سپاسگزاری خود را اعلام می نمایم.

.علاوه بر این از مدیر محترم گروه زبان و ادبیات فارسی و سایر استادان گرامی که در طول دوران تحصیل از محضرشان بهره مند شده ام کمال تشکر و قدر دانی را دارم .

توفیق هر دو جهانی را برای این بزرگان از درگاه یزدان پاک آرزومندم.

لازم است که سپاس ویژه ی خود را تقدیم همسر عزیزم نمایم که نامهربانی های من را در دوران تحصیل با صبر و تحمل خویش رنگ مهربانی و خوبی داد.

چکیده:

جامعه‌شناسی ادبیات یکی از روش‌های نسبتاً جدید در مطالعات جامعه‌شناسی و ادبی است. این نوع به بررسی ساختار و محتوای اثر ادبی و ارتباط آن با ساختار و تحولات اجتماعی که اثر مولود آن است، می‌پردازد. اهمیت این نوع در بررسی آثار ادبی دوره‌های تاریخی که با تحولات اجتماعی و فرهنگی عمده‌ای همراه بوده‌اند، بیشتر خود را نشان می‌دهد.

در این شیوه می‌توان نقش و قدرت نویسنده را درک و ترسیم پیچیدگی‌ها و مسایل و مشکلات جامعه را ارزیابی نمود و از افق‌های جدیدتر و خلاقانه‌تری به جامعه پرداخت. لذا نقد و بررسی ساختارهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی آثار مسعود هدف رساله‌ی حاضر بوده است. محمد مسعود از نویسندگان روشنفکر دوره‌ی رضا شاه است که بیشتر نظر به اصلاح جامعه داشته و تغییر اوضاع زندگی جوانان را خواستار بوده است. داستان‌های مسعود از نظر اندیشه و دید عمیق اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در میان آثار داستانی آن دوره دارد. او نویسنده‌ای واقع‌گرا است و آثارش از نوع رمان‌های اجتماعی است تا آنجا که او را مهم‌ترین نماینده ژانر اجتماعی می‌نامند. مسعود در داستانهایش به اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران خود بدبین است. او در تهران همه‌ی کثافت‌کاری‌ها و گندکاری‌های افراد اشراف پایتخت را به چشم خود دیده بود و از اینجا بدبینی و بینش سیاه او نسبت به همه چیز شروع شد. جامعه‌ی داستانی مسعود بین دوراهی سنت و مدرنیته قرار دارد و عواملی چون جنگ جهانی اول و گسترش دیوان سالاری و رابطه‌ی بیشتر با جهان خارج و مواردی دیگر باعث شده تا داستانهایش در جدال بین سنت و مدرنیته قرار بگیرد. بر این اساس سعی شده است تا از منظر جامعه‌شناختی رمان‌های محمد مسعود مورد تحلیل قرار گیرد. برای این منظور رساله به پنج بخش تقسیم شده است: فصل اول کلیات، فصل دوم ساخت سیاسی - تاریخی، فصل سوم ساخت اجتماعی داستان و فصل چهارم ساخت فرهنگی آن را شامل می‌شود و در فصل آخر نتیجه‌گیری آمده است.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی ادبیات، جامعه‌شناسی رمان، رمان فارسی، محمد مسعود، سنت و مدرنیته

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات
۲	۱-۱- مقدمه
۳	۲-۱- بیان مسأله و سوال‌های اصلی تحقیق
۳	۳-۱- فرضیه‌های تحقیق
۴	۴-۱- پیشینه ی تحقیق
۵	۵-۱- اهداف و ضرورت تحقیق
۶	۶-۱- روش انجام دادن تحقیق
۷	۷-۱- فضای سیاسی- تاریخی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰
۱۱	۸-۱- آسیب شناسی رمان‌های عهد رضاشاه
۱۴	۹-۱- معرفی مسعود از تولد تا جوانی
۱۶	۹-۱- ۱- ترور مسعود
۱۷	۱۰-۱- معرفی آثار داستانی مسعود در یک نگاه
۱۸	تقریحات شب
۱۸	در تلاش معاش
۱۹	اشرف مخلوقات
۲۰	گل‌هایی که در جهنم می روید
۲۱	بهار عمر
۲۲	۱۱-۱- جامعه شناسی ادبیات
۲۴	۱۲-۱- رابطه جامعه و ادبیات
۲۶	۱۳-۱- جامعه شناسی در ادبیات یا جامعه ادبی

۲۸	۱۴-۱ جامعه شناسی رمان
۳۰	فصل دوم: ساخت سیاسی-تاریخی داستان‌های مسعود.
۳۲	۱-۲- وجود و الغای ترس در جامعه
۳۶	۲-۲- ظلم مسوولان جامعه
۳۹	۳-۲- فساد در دستگاه حاکمیت رضاشاه
۳۹	۲-۳-۱- فساد اخلاقی
۴۰	۲-۳-۲- فساد مالی
۴۴	۲-۴- برآورده نشدن انتظارات نویسنده
۴۷	۲-۵- جنگ جهانی
۵۱	۲-۶- خدمت سربازی
۵۳	۲-۷- اسکان اجباری عشایر
۵۷	فصل سوم: ساخت اجتماعی داستان‌های مسعود
۶۰	۳-۱- مبارزه با میکده ها و بیغوله های جنسی
۶۳	۳-۲- اختلاف طبقاتی
۶۵	۳-۳- وضعیت بهداشتی
۶۸	۳-۴- شهوت پرستی و پررنگ جلوه دادن حواشی مادی
۷۱	۳-۵- فقر
۷۴	۳-۶- جامعه ی سرمایه داری
۷۸	۳-۷- رشوه و احتکار
۸۲	۳-۸- مبارزه با قاچاق و فساد اداری
۸۲	۳-۹- فقر و شیوع فساد
۸۶	فصل چهارم: ساخت فرهنگی داستان‌های مسعود
۸۷	۴-۱- ازدواج

۸۸	۲-۴- فساد و فحشا
۹۳	۳-۴- مدرنیته و مدرنیزاسیون
۹۶	۴-۴- جدال با سنت
۹۹	۵-۴- مهاجرت از روستا به شهر و عجین شدن با فرهنگ شهر
۱۰۰	۶-۴- تقابل شرق و غرب
۱۰۱	۷-۴- طنز
۱۰۲	۱-۷-۴- ایجاد طنز موقعیت در قالب شخصیت پردازی
۱۰۳	۲-۷-۴- نمایش طنز با بهره گیری از کارهای خنده آور و غیر منتظره
۱۰۳	۳-۷-۴- نمایش طنز به شیوه ی کلامی و با استفاده از جملات و واژگان جالب
۱۰۴	۴-۷-۴- نمایش به شیوه ی مبتدل و بهره گیری از واژگان رکیک
۱۰۴	۸-۴- دیدگاه مسعود در مورد روحانیت و مذهب
۱۰۶	۹-۴- روشنفکران جامعه
۱۰۶	۱۰-۴- کارمندان و کار دولتی در داستان های مسعود
۱۰۸	۱۱-۴- رابطه ی مسعود با ادبیات
۱۱۱	۱۲-۴- مخالفت جدی و همیشگی با تعالیم مدرسه
۱۱۳	۱۳-۴- ملامت کردن و نکوهش کردن خود
۱۱۵	۱۴-۴- بدبینی
۱۱۷	۱۵-۴- بدگویی از نژاد یهود
۱۱۸	فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری
۱۲۵	منابع و مأخذ

فصل اول:

کلیات

جامعه‌شناسی ادبیات، شاخه‌ای نوپا از جامعه‌شناسی عمومی است که رابطه‌ی میان آثار ادبی و شرایط اجتماعی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کشف ارتباط معنای اثر ادبی و آگاهی جمعی کل جامعه، همچنین نحوه‌ی تأثیر گذاری این دو، در حیطه‌ی مطالعات مربوط به جامعه‌شناسی ادبیات قرار می‌گیرد.

جامعه‌شناسی رمان نیز به عنوان یکی از شاخه‌های نوظهور نقد ادبی، تاریخ جامعه را از طریق پدیده‌های ادبی، مطالعه می‌کند. جامعه‌شناس رمان، رمان را به منزله‌ی سندی اجتماعی بررسی می‌کند و معتقد است از طریق تحلیل تمام نهاد های اجتماعی موجود در اثر ادبی، می‌توان به جایگاه اثر در جامعه پی برد. با توجه به اهمیت مقوله‌ی فوق و وجود آثار ادبی برجسته در ادبیات معاصر فارسی، بر آن شدیم تا با انتخاب آثار محمد مسعود از منظر نقد جامعه‌شناختی، به توصیف و در نهایت تحلیل ساختار درونی این آثار پردازیم.

در این تحقیق می‌کوشیم با توصیف و تحلیل ویژگی‌های کلی و فرعی جامعه‌شناسی هر کدام از رمان‌های مسعود نشان دهیم رمان‌های او، چگونه توانسته‌اند ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی جامعه ایران را در دوره‌ی تاریخی حکومت رضا شاه در خود منعکس کنند. خواندن آثار مسعود بسیار مهم و ارزشمند است. ارزشمند از این جهت که بدانیم محمد مسعود هفتاد سال پیش از ما به عنوان نویسنده‌ای روشنفکر و معترض چگونه می‌اندیشیده است.

سه رمان "تفریحات شب"، "در تلاش معاش" و "اشرف مخلوقات" در واقع مکمل هم هستند و جمعاً طرحی کلی از سیمای زندگی و روابط اقتصادی و انسانی زمان محمد مسعود را با زبانی رک و بی‌پروا ترسیم می‌کنند. محیط این سه رمان کوچه و پس کوچه‌ها، میخانه‌ها، فاحشه‌خانه‌ها، بازارها، ادارات یا مدارس دل‌مرده است، آدم‌های قصه بیشتر به امراض روحی و جسمی گرفتارند، اما در کتاب "گل‌هایی که در جهنم می‌روید" مسعود در پی ارائه‌ی تصویری روشن از فضای جامعه‌ی ایران و به طور مشخص توصیف رفتار و روحیه‌ی سیاسی- اجتماعی روشنفکران مبارز سیاسی بوده است و در اثر آخر خودش "بهار عمر" با نگاهی انتقادی به مقایسه‌ی شرق و غرب می‌پردازد و در پایان غرب را بر شرق ترجیح و برتری می‌دهد. استفاده از تکنیک نامه‌نگاری در دو اثر آخری باعث شده است تا نویسنده مجال بیشتری برای بیان عقاید و انتقادات خود بیابد.

۱-۲- بیان مسأله و سوال‌های اصلی تحقیق:

یکی از خصیصه‌های فرهنگی حال حاضر، رشد علوم اجتماعی و توسعه‌ی بینش جامعه‌شناسی است. اولین نمونه‌های رمان‌های اجتماعی در ایران در سال‌های ۱۳۰۰ پدید آمد، نویسندگان این رمان‌ها در آثارشان فحشا، فساد سیاسی و اداری و ناامنی‌های اجتماعی سال‌های مشروطیت، را منعکس می‌کنند. کارمندان، جوانان، زنان، شاخص‌ترین تیپ‌های معرفی شده به وسیله‌ی این رمان‌ها هستند. اغلب نویسندگان آن سال‌ها از بین کارمندان بر می‌خواستند، محمد مسعود کارمندی بود که به کار نویسندگی و روزنامه‌نگاری می‌پرداخت. در این پژوهش بر آنیم تا با تحلیلی جامعه‌شناختی، عوامل سیاسی- اجتماعی موثر بر رمان‌های محمد مسعود را مورد بررسی قرار دهیم با طرح سؤال‌های زیر:

۱- آیا مسعود توانسته است داستان‌هایش را در ژانر اجتماعی بگنجانند؟

۲- چرا بدبینی به اوضاع سیاسی- اجتماعی در داستان‌های مسعود نمود پیدا می‌کند؟

۳- چرا جامعه‌ی داستانی محمد مسعود بین دوراهی سنت و مدرنیته قرار گرفته است؟

۱-۳- فرضیه‌ها:

۱- مسعود به خوبی توانسته است، داستان‌هایش را در ژانر اجتماعی جا بدهد.

۲- از آنجا که مسعود در پی آینده‌ای بهتر برای جامعه‌ی خود بود، در تهران همه‌ی کثافت کاری‌ها و گندکاری‌های افراد اشراف پایتخت را به چشم خود دید و از همان جا بر این افتضاحات تاخت. از این رو بدبینی و بینش سیاه او نسبت به همه چیز شروع شد.

۳- عوامل زیادی در جدال بین سنت و مدرنیته دخیل بودند. از یک طرف انقلاب مشروطه و ضربه‌ی ویرانگر جنگ جهانی اول که نظام اجتماعی را در هم ریخت، به سبب گسترش دیوان‌سالاری و رابطه‌ی بیشتر با جهان خارج فرهنگی مآبی محافل اعیانی و تبلور بن بست سیاسی و اخلاقی در گرهگاه پایتخت باعث رفتار تازه و متفاوتی با سنت و فرهنگ گذشته شد، و از آنجا که مسعود در پی آینده‌ای بهتر برای جامعه‌ی خود بود و همین نگاه انتقادی نسبت به گذشته و امیدواری نسبت به آینده باعث می‌شد که در جدال بین سنت و مدرنیته باشد.

۱-۴- پیشینه ی تحقیق:

با توجه به اینکه جامعه شناسی ادبیات یک رشته‌ی بسیار نوپا است و همچنین بسیاری از تئوری‌های این رشته از غرب نشأت گرفته، در ایران با آثار زیادی که بتوان از آنان به عنوان «نقد جامعه شناختی» یادکرد روبرو نیستیم. برای پربار شدن مباحث نقد جامعه شناختی باید منتظر گذشت زمان و ترجمه‌ی کتاب‌هایی در این مورد باشیم. دانشجویان رشته ادبیات و همچنین علوم اجتماعی به پژوهش‌هایی در این مورد روی آورده‌اند و هرکدام به نوبه خود رساله‌هایی در این مورد نوشته‌اند، اما این رساله‌ها بسیار اندکند و نیاز به کار بیشتر احساس می‌شود. این رشته در غرب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است ولی در ایران چندان جدی گرفته نشده است. محمد جعفر پوپنده که خود یکی از مترجمان کتاب‌های جامعه شناسی ادبیات به فارسی است و در این راه کوشش‌های فراوانی انجام داده است، در پیشگفتار کتاب «درآمدی به جامعه شناسی ادبیات» که مجموعه مقالاتی در این زمینه است، می‌نویسد: «در واقع سطح کنونی پیشرفت جامعه شناسی ادبیات در ایران که مانند بسیاری از رشته‌ها و شاید بیشتر از سایر آنها، از سطح موجود جهانی بسیار پایین‌تر است، آشنایی با نظریات، روش‌های گوناگونی دشواری‌های سیر شکل‌گیری و نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های مختلف در این عرصه را ضروری می‌سازد» (گلدمن، ۱۳۷۷، مقدمه‌ی مترجم: ۸).

این بی‌توجهی چنان است که در دانشگاه‌های کشور درس «جامعه شناسی ادبیات» فقط به عنوان درس اختیاری در رشته‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تدریس می‌شود گرچه به تازگی در برخی از دانشگاه‌ها در برنامه‌ی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد درسی با عنوان جامعه‌شناسی ادبیات گنجانده شده است. اما این توجه بسیار اندک و این رشته که از علوم میان رشته‌ای به حساب می‌آید نیاز به توجه جدی از سوی مجامع علمی و دانشگاهی دارد.

در ایران نخستین کسی که پیرامون جامعه‌شناسی ادبیات سخن گفت، امیرحسین آریانپور بود. او کسی بود که «مباحث جامعه‌شناسی هنر و ادبیات را در ایران مطرح کرد. از سال ۱۳۴۱ هـ ش به بعد او سخنرانی‌هایی را برای دانشجویان دانشگاه تهران ایراد کرد» (عسگری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۱۰۳). بعدها دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ هـ ش. این سخنرانی‌ها را به عنوان کتاب منتشر کرد. اما نخستین کسی که این رشته را به عنوان واحد درسی ارائه داد، غلامحسین صدیقی بود. او در سال‌های قبل «نخستین زمزمه‌ی درسی را سر داد که «اجتماعیات در ادبیات» نام گرفت، او راه شناخت جامعه‌ی ما را در ادبیات مان سراغ کرد، و کلید بسیاری از درهای بسته‌ی

فرهنگ را در این صندوقچه یافته بود» (اسکارپیت، ۱۳۷۶، مقدمه مترجم: ۲). صدیقی پژوهش‌هایی تحت عنوان «اجتماعیات در آثار سعدی» «اجتماعیات در آثار حافظ» و تحقیق درباره‌ی جنبه‌ی اجتماعی شاعران و نویسندگان کلاسیک انجام داده است، اگر بخواهیم درباره‌ی اولین اثر در زمینه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات سخن بگوییم، می‌توان از کتاب معصومه عصام تحت عنوان جامعه‌شناسی در ادبیات نام برد. «در حقیقت این کتاب ترجمه‌ی بخش‌هایی از کتاب جامعه‌شناسی از طریق ادبیات اثر لوئیس کوزر است به همراه برخی از مفاهیم اجتماعی در خمسه‌ی نظامی گنجوی» (عسگری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۱۰۳). از کتاب‌های دیگری که در زمینه‌ی اجتماعیات در ادب پارسی نوشته شده است، می‌توان از کتاب‌های «جامعه‌شناسی در ادبیات» فریدون وحید، «جامعه‌شناسی در ادبیات» از هدایت الله ستوده، «جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی» علی اکبر ترابی نام برد. این کتاب‌ها بیشتر به حوزه جامعه‌شناسی تعلق داشته‌اند تا ادبیات، به همین دلیل آثارشان نمی‌تواند عنوان دقیق و کامل جامعه‌شناسی ادبیات را به خود اختصاص دهد.

۱-۵- اهداف و ضرورت تحقیق:

معرفی محمد مسعود و داستان‌هایش به عنوان رمان اجتماعی
بررسی آثار داستانی محمد مسعود و تحلیل آثار او از دیدگاه جامعه‌شناختی
بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی دوران زندگانی وی.
درک جایگاه و نقش خلاقیت هنری در تبیین درست و متعهدانه‌ی شرایط اجتماعی
معرفی میزان تأثیر و تأثر مسعود بر جامعه و از جامعه
ضرورت چنین تحقیقی در درجه‌ی اول تبیین گرایش جامعه‌شناسی ادبیات و به خصوص جامعه‌شناسی رمان در رشته‌ی ادبیات فارسی و مطالعات ادبی است. تحقیق در این موضوع در دانشگاهها و پایان نامه‌ها و رساله‌های تحصیلی دانشجویان، تاکنون به دلیل ضعف تئوری جامعه‌شناسی ادبیات در ایران مغفول مانده است. بررسی ویژگی‌های رمان فارسی از دیدگاه جامعه‌شناسی برای بررسی رشد و تکامل آن ضروری و مهم است و پرداختن به این مسأله و تشریح و تبیین آن برای علاقه‌مندان و صاحب‌نظران مفید و سودمند خواهد بود.

۱-۶- روش انجام دادن تحقیق:

روش جمع آوری اطلاعات در تدوین این رساله، روش کتابخانه ای می باشد. ابزار گردآوری مطالب، برگه‌ی تحقیقی (فیش) بوده و روش تدوین مطالب نیز به روش تجزیه و تحلیل (توصیفی - تحلیلی) است. بعد از جمع آوری فیش‌ها، مرحله‌ی طبقه‌بندی آنها صورت گرفت و بعد از تجزیه و تحلیل با کمک استادان محترم راهنما و مشاور، بدنه‌ی اصلی تحقیق شکل گرفت. شایان ذکر است که رسم الخط این رساله براساس شیوه‌نامه‌ی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد

۱-۷- فضای سیاسی - تاریخی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰:

بررسی دوران تاریخی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ دارای اهمیت فراوانی است. چند سالی از جنبش مشروطیت نگذشته بود که ایران زمین درگیر هرج و مرج و آشوب‌های منطقه ای شد؛ آشفتگی اجتماعی از یک طرف اهداف نوگرایانه‌ی مشروطه را به حالت تعلیق درآورد و از طرف دیگر موجب شد تا در میان نخبگان، نوعی ملیت خودخواهی و ناسیونالیسم ایرانی که پیش از مشروطیت مطرح شده بود، تقویت شود؛ از دیگر سو در حالی که خواسته‌های دموکراتیک و مدرن مشروطه به واسطه حضور کشورهای بیگانه و بی لیاقتی حاکمیت وقت به بن بست خورده بود، اذهان اندیشمندان، کنشگران ایرانی معطوف به راه حلی دوسویه شد: اول اینکه در ساختارهای عملی خواهان تشکیل دولت نیرومند و متمرکزی شدند که آشفتگی را به پایان رساند. دوم اینکه، در گفتمان فرهنگی به ایرانی‌گری و هویت ملی توجه یافتند.

از سوی دیگر باید متذکر شد که نهضت مشروطه با ساختارهای سنتی جامعه ایران در چالش بود؛ زیرا تأکیدی که مشروطیت بر فرد داشت و از سوی دیگر انتقاداتی که از معیارهای استبدادی و پدرسالارانه می‌کرد و نشان دادن تمایل خود به یک نظام ارزش نوین و آزادمنشانه را می‌توان از عوامل عمده این چالش بدانیم دست کم تا هنگامی که نابسامانی سیاسی و اجتماعی برانگیزنده واکنشی در جامعه گردید (مصباحی پورایرانیان؛ ۱۳۸۵: ۷۲). آن گاه اغلب ایرانیان، در مقابل این بحران، بازگشت یک دولت مرکزی قوی را خواستار شدند که بتواند نظم و امنیت را به کشور برگرداند و به جست و جوی یک میهن پرست راسخ برآمدند که منجی آنان باشد (قیصری، ۱۳۸۵: ۷۳).

وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، تثبیت بنیان‌های اولیه‌ی یک دولت مرکزی مقتدر و انتقال سلطنت از قاجاریه به پهلوی که در واقع جابه‌جایی در پایه‌های مشروعیت حکومت و ساختارهای کارکردی آن بود، توانست بر آشوب و هرج و مرج خوانین و دست اندازی خارجی‌ان فائق آمده و هویت ملی از دست رفته را بازیافته و بخشی از اهداف سیاسی- اجتماعی مشروطیت را به شکل دولت مدرن مطلقه محقق سازد. در چنین اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی بود که اندیشمندان سیاسی در یک هم‌سویی کارکردی توانستند با نهادینه کردن دولت ملی و متمرکز رضاشاه بر آشفتگی اجتماعی غالب آمده و مسائل فرهنگی را با رویکرد مدرن به دوره باستان به راه حلی منطقی و اندیشیده نزدیک کنند؛ با شکل‌گیری دولت ملی، یاغیان منطقه ای از بین رفتند؛ سرحدات ملی- جغرافیایی ایران به آرامش رسید؛ ساختارهای سیاسی تثبیت شدند؛ نهادهای مدنی شکل گرفتند؛ ساختارهای فرهنگی بنیان نهاده شدند؛ زیر بناهای اقتصادی به

فرایند مدرنیزاسیون پیوستند. «رژیم وابسته و مدرنیست پهلوی که با هدایت و طراحی استعمار و کمک عملی و اجرایی و حمایت منورالفکران به قدرت رسید، در سراسر حیات خود از آنان به عنوان مزدوران و عوامل اجرایی و فرهنگی در جهت تثبیت سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژی خود بهره گرفت...» (صدر، ۱۳۶۴: ۱۱۶).

رضاشاه در طول حدود بیست سال حکومت موثر خود توانست در چهره‌ی جامعه‌ی ایران بخصوص در شهرها تغییر زیادی را به وجود آورد. او در آغاز قدرت مورد حمایت گروه‌های مهمی بود. از آن جمله جامعه‌ی روشنفکری او را میهن پرستی می‌دانستند که قادر است به اختلافات سیاسی و هرج و مرج اجتماعی پایان دهد، نیروهای سنت گرا را منزوی ساخته و قدرت علما را محدود سازد. از سوی دیگر بسیاری از رهبران شیعی او را میهن پرستی نیرومند می‌دانستند که می‌تواند عناصر تندرو را سرکوب کند؛ از جهتی نیز قاطعیت و استواری رضاخان در مدرن سازی کشور سیاستمداران و کارگزاران مملکت را نیز تحت تأثیر قرار داد. همان طور که می‌دانیم رضاشاه از میان طبقات فرودست جامعه برخاسته بود و با اشرافیت موجود پیوندی نداشت و همین امر موجب مزید محبوبیت او شد (قیصری، ۱۳۸۵: ۷۹). همان طور که ذکر شد رضاشاه زمانی که داشت به تحکیم قدرت خود می‌پرداخت، از محبوبیت گسترده‌ای برخوردار بود و با حمایتی که از روشنفکران می‌کرد از دستگاه دولت دین زدایی کرد و علما را از برخی حوزه‌های نفوذ و درآمد سنتی خود، مانند تعلیم و تربیت و قدرت قضایی، برکنار کرد و سعی نمود تا آنان را در نظام اداری جدید جذب کند. از سوی دیگر مبارزه‌ی او با جریان‌های تند رو در میان روشنفکران، بویژه ایدئولوژی سوسیالیستی و مارکسیستی، مورد حمایت علما قرار گرفت. رضاشاه بعدها توانست با سیاست، علما و روشنفکران را در مقابل یکدیگر قرار داده و بدین ترتیب بر دامنه قدرت خود بیفزاید (همان: ۸۰).

رضاشاه سعی کرد تا در دوران حکومت خود اصلاحاتی شبیه آنچه را آتاتورک در جمهوری نوپای ترکیه انجام داده بود در ایران به اجرا درآورد. از جمله اهداف رضاشاه را می‌توان همبستگی ملی، ارتش نیرومند، نظام اداری کارآمد و انضمام برخی اندیشه‌ها و اصول اقتصادی- اجتماعی غرب ذکر کرد؛ رضاشاه مانند آتاتورک شیفته‌ی پیشرفت‌های مادی تمدن نوین غرب بود و هردو می‌کوشیدند با احداث کارخانه، راه آهن، بیمارستان و نهادهای آموزشی جدید برخی از مظاهر چنین پیشرفت‌هایی را به کشور خود وارد کنند. رضاخان بیست سال با کمال قدرت و در نهایت دیکتاتوری بر ایران سلطه داشت و کوچک‌ترین ندای آزادی خواهی و حق طلبی را خفه می‌کرد. رضا شاه پس از سفر به ترکیه اقدامات خود را تشدید کرد، کشف حجاب، ممنوع کردن مراسم مذهبی، متحدالشکل کردن لباس و برخی اقدامات

دیگر نمونه های این امر بودند. وی اعتراضات را یکی پس از دیگری سرکوب می کرد. رسم بست نشینی در اماکن مذهبی ممنوع شد، مراسم ماه محرم محدود گردید، درهای مساجد بزرگ اصفهان به روی گردشگران خارجی باز شد. رضاشاه در سال ۱۳۱۸ فرمان تصرف کلیه موقوفات مذهبی را صادر کرد. در واقع با ممنوع کردن مراسم مذهبی روحانیون مجبور به سکوت و کناره گیری از سیاست شدند (کسرای، ۱۳۷۹: ۴۲۲).

تضعیف مؤسسات دینی آموزشی، فراخواندن روحانیون به سربازی، حذف تعلیمات دینی اجباری، جلوگیری از انجام دادن برخی مراسم مذهبی، کنترل دولت بر موقوفات و سایر اقدامات دولت در این راستا، منجر به تضعیف موقعیت و جایگاه روحانیت شد. در واقع روحانیت بار دیگر به سمت متحد سنتی خود، بخش سنتی بازار، روی آورد (همان: ۴۲۵).

رضاخان از احساسات عمومی در جهت تقویت قدرت مطلقه و شخصی خود سوء استفاده کرد. با گرایش او به خودکامگی و بویژه از سال ۱۳۱۲ به بعد، بسیاری از روشنفکران میانه رو و اصلاح طلب و افکار عمومی از رضاخان روی برگرداندند و امید آنها از تحقق حکومت مقتدر مرکزی در جهت امنیت مالی و جانی افراد به یأس مبدل گشت (سردار آبادی، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

وی در پایان حکومت مستبدانه‌ی خود در یک سیاست خارجی با کشور آلمان رابطه‌ی دوستانه برقرار کرد. هرچند در سال‌های قبل و در دوره‌ی ریاست جمهوری وایمار نیز روابط ایران و آلمان دوستانه بود و ایرانیان که هنوز خاطره‌ی اقدامات آلمانی‌ها در خلال جنگ جهانی اول و بویژه تضمین استقلال و حاکمیت و تخلیه‌ی قوای خارجی از ایران را که اثر اصرار آلمان در عهدنامه برست-لیتوسک ۱۹۱۸ قید شده بود، به یاد داشتند آلمان را به عنوان نیروی سوم می‌نگریستند و به آن چشم یاری دوخته بودند.

همین که آدولف هیتلر به پیشوایی آلمان رسید روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی گردید. آلمانی‌ها تبلیغات وسیعی در مورد مشترک بودن نژاد آریایی دو ملت و یکسان بودن هدف‌های ملی دو کشور در مبارزه با کمونیسم و امپریالیسم آغاز کردند و در ۱۳۱۵ رضاشاه را تشویق کردند که دستور دهد نام کشورش را در مکاتبات خارجی به جای پرس و پرشیا، ایران موطن آریایی‌ها بنامد و با این گونه کارها محبوبیت بسیاری در میان ایرانیان به دست آوردند. در آبان ۱۳۱۴ دکتر یالمارشاخت وزیر اقتصاد آلمان وارد تهران شد و در خلال مذاکرات او با مقامات ایرانی یک معاهده‌ی تجارתי پایاپای مهم در آذر ۱۳۱۴ بین دو کشور منعقد شد (مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۹). این اقدام رضاشاه را

بزرگ‌ترین اشتباه او در زندگی می‌توان دانست. این کار باعث شد که متفکین در شهریور ۱۳۲۰ وارد ایران شوند و رضاشاه را مجبور به استعفا کنند.

با ورود متفکین به ایران در شهریور ۱۳۲۰، رضاشاه مجبور به استعفا شد و فرزندش محمدرضا شاه بر تخت سلطنت نشست. سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ با ورود نیروهای متفق به ایران قحطی و شیوع بیماری، آزادی احزاب و روزنامه‌ها و ورود بیشتر افکار متفکران غربی و بسط شعر و رمان همراه بود. مهم‌ترین آثار ادبی این دوره را نویسندگان بزرگی همچون هدایت، علوی، جمال‌زاده، گلستان و محمد مسعود تألیف کردند که رمان اجتماعی از موضوعات کلیشه‌ای و رایج آن قرن قرار گرفت و ارتباط عمیق‌تر و در عین حال هنری‌تر با جامعه برقرار کرد.

«فاحشه‌ها و کارمندان مشخص‌ترین تیپ‌های معرفی شده به وسیله‌ی این رمان‌ها هستند. کارمندان با انتقاد رمان اجتماعی از دستگاه اداری مشروطه وارد صحنه‌ی ادبیات معاصر ایران می‌شوند و با متمرکز شدن کشور و رشد دیوان‌سالاری در دوره‌ی رضاشاه از اصلی‌ترین شخصیت‌های رمان فارسی می‌گردند. در رمان اجتماعی فارسی بیشتر نویسندگان را همچنان در طبقات متوسط شهرنشین و خانواده‌ی کارمندان سراغ می‌کنیم. تمایل به سوی تمدن جدید و اصول ترقی، بهروزی و رستگاری مردم از خصلت‌های عمومی این نویسندگان است» (سپانلو، ۱۳۷۴: ۱۴۰).

در این سال‌ها اوضاع کلی حاکم بر ادبیات داستانی و چگونگی نگرش آنها نسبت به مسائل جامعه و زندگی به دلایل گوناگون مثل تغییرات شرایط سیاسی و اجتماعی مطرح شدن مسأله‌ی زندگی از پایان جنگ و بسیاری از تحولات درونی جامعه پس از آن عوض شد. تفکر و اندیشه غالب در این آثار، نوعی نگاه تجربه‌گرایانه دارد که در برابر ایده آل‌گرایی در دهه‌ی قبل است آن هم به خاطر فضای باز سیاسی خیلی چیزها که در دوره قبل نویسنده آرزوی آن را داشت که تجربه کند در این دهه تجربه کرد. شیوه دید نویسندگان این دوره رئالیسم مبتنی بر تجربه‌ی فردی و شخصی خود نویسنده است. هر چند رمانتیسیم نیز در آثار بعضی نویسندگان به چشم می‌خورد. داستان‌نویسان این دهه بیشتر تلاش کرده‌اند زندگی طبقات اجتماعی بخصوص طبقه پایین را آن گونه که خود دیده و تجربه کرده‌اند، نشان دهند. مسائل جنسی بیشتر وارد داستان‌های این دهه شد، نثر این دوره نثر عمومی و کلی شد. زیرا تحولات اجتماعی و سیاسی این دهه بیشترین تأثیر را بر زندگی طبقه پایین می‌گذارد. قحطی نان، جنگ‌های جهانی و چپاول کشور توسط کشورهای بیگانه باعث شد تا نویسندگانی چون مسعود درد و رنج را به داستان‌هایشان بکشاند.

۸-۱- آسیب شناسی رمان‌های عهد رضاشاه:

نکته‌ی مهم درباره‌ی رمان نویسی دهه‌ی اول حکومت رضاشاه این است که با انتخاب برش‌هایی از تاریخ پیش از تاریخ پیش از برآمدن رضاشاه از توصیف واقعیت‌های سال‌های نگارش آثارشان می‌گیرند. به سخن دیگر، نویسندگان ما طی این سال‌ها از درگیر شدن با واقعیت زمانه می‌هراسند. این کار می‌تواند دو علت داشته باشد: یا نویسندگان این سال‌ها به سبب همراهی و همدلی با برنامه‌های رضاشاه، قصد دارند با بی‌حیثیت کردن سال‌های مبارزه و انقلاب، مشروعیتی برای سیاست‌های نوین فراهم کنند یا فضای سانسور و خفقان، هرگونه بازنمایی ادبی این سال‌ها را ناممکن و یا دشوار کرده است، پس به ناچار دوره‌ی پیشین را زمینه‌ی داستان‌هایش قرار می‌دهند. این وضعیت در "تهران مخوف"، "زیبا"، "تفریحات شب"، "درتلاش معاش" و "اشرف مخلوقات" دیده می‌شود، اما رمان‌های دیگر نیز که تحت تأثیر "تهران مخوف" در دهه‌ی اول حکومت رضاشاه نوشته شده‌اند، به چنین وضعی گرفتارند: "روزگار سیاه"، "انتقام" و "اسرار شب" از عباس خلیلی، "شهرناز" اثر یحیی دولت‌آبادی و یا "جنایات بشر" نوشته ربیع انصاری، جملگی زمان روایت را سال‌های پیش از ۱۳۰۰ برگزیده‌اند. دیگر ویژگی مشترک این رمان‌ها که وضعیت و سرنوشت رقت بار زنان و دختران را که با حرکت تهران به سوی جهانی غریب (گسترش مظاهر مدرنیزاسیون و آسیب‌های آن) وخیم‌تر می‌شود، مورد توجه قرار داده‌اند، این است که ع اکثر رمان‌های آن دوره، عوامل اساسی فحشا-نظیر فقر، بیکاری، محرومیت جنسی، تبعیض و... را از تحلیل‌هایشان حذف و غالباً به برداشت‌های احساساتی و اخلاقی بسنده کرده‌اند. رمان‌های مسعود علاوه بر تحت تأثیر قرار گرفتن مدرنیته و گسترش مظاهر مدرنیزاسیون این عوامل فوق‌از رمان‌هایشان حذف نکردند. نویسندگان این‌گونه رمان‌ها تنها در نمایش جلوه‌های بیرونی واقعیت (مکان‌ها و زمان) به قصد متقاعد کردن خواننده از رئالیسم بهره می‌گیرند و گرنه در شخصیت‌پردازی و تحلیل نیروها و عوامل اجتماعی یکسره رمانتیک‌اند.

«رمانتیسیم از لحاظی اعتراض روشنفکران طبقه متوسط بر ضد نظام اجتماعی و ارزش‌های آن طبقه است که پس از رشد سرمایه داری صنعتی و سیطره‌ی ارزش‌های کمی و سروری پول و سرمایه خودنمایی کرد، اما چنانکه گفته‌اند، این اعتراض روشنفکران طبقه متوسط چون از حدود فکری طبقه خود فراتر نمی‌رود و منبع الهام آن باز در درون همان طبقه است، با درون بین و تزلزل خاطر توأم است و از انزوا آغاز می‌شود، در نومیادی ادامه می‌یابد و با مرگ پایان می‌گیرد» (پرهام، ۱۳۶۲: ۹۶).